

به نمایندگان منتخب کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

حکمتیست
ویریه کنگره ۸ حزب
۱۰۱

۸ فوریه ۲۰۱۶ - ۱۵ بهمن ۱۳۹۴
دوشنبه ها منتشر میشود

پیشنهادی کمیته رهبری به کنگره هشتم حزب
فوریه ۲۰۱۶

قطعنامه درباره اوضاع سیاسی و وظایف این دوره حکمتیستها

۱- جمهوری اسلامی علیرغم تغییر موقعیت امروز خود در معادلات منطقه ای و همچنین چرخش های اساسی در پرچم سیاسی ایدئولوژیک آن، کماکان با معضلات سیاسی - اقتصادی پایه ای روبرو است. معضلاتی که اساسا ریشه در اوضاع بحرانی خاورمیانه و موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه دارد.

الف: پایان جدال جمهوری اسلامی با غرب، قبول آن بعنوان یکی از اعضا کلوپ "جامعه جهانی" و یکی از محورهای "ثبات" در منطقه، "رام شدن" ایران در برابر قدرتهای غربی، با تمام افت و خیزهای آن، علیرغم وعده های جمهوری اسلامی، نتوانست معضلات پایه ای اقتصاد بورژوازی در ایران را برطرف کند.

امروز بیش از هر زمانی افق "توسعه اقتصادی"، شکل دادن به نوعی دمکراسی "نیم بند" غربی در ایران، برای بورژوازی ایران بسته شده است. بورژوازی ایران به این امر واقف است که بر متن اوضاع بحرانی خاورمیانه حتی با تحمیل استثمار مضاعف بر طبقه کارگر، با تشدید خفقان و استبداد، ایران شانس برای توسعه اقتصاد کاپیتالیستی را ندارد. نابسامانی سیاسی و اقتصادی کشورهای "اثبات" تر و "پرو غربی" تر چون ترکیه، مصر و ...، این واقعیت را در مقابل بورژوازی ایران و جمهوری اسلامی قرار داده است. ... ← صفحه ۲

رفقای عزیز
با گرمترین درودها

جلسات کنگره هشتم اساسا حول قطعنامه ها و اسنادی پیشنهادی از پیش معلوم سازمان می یابد. هر بحث و پیشنهاد و دستور و اسناد آن کتبا باید از قبل در اختیار کنگره و نمایندگان قرار گرفته باشد. برای تسریع و تسهیل کارهای کنگره لطفا به نکات زیر دقت کنید.

کنگره از میان مجموعه قرارها و قطعنامه های کتبی که از قبل بدست نمایندگان رسیده است، تعدادی را، با رای کنگره، در دستور خود میگذارد.

موازین اسنادی که از قبل در اختیار کنگره قرار خواهند گرفت به ترتیب زیر است:

قطعنامه های پیشنهادی: باید به امضای یکی از کمیته های اصلی تشکیلات و یا یک پیشنهاد کننده و ۵ تن دیگر از نمایندگان رسیده باشد.

قرار های پیشنهادی: باید به امضای یک کمیته حزبی و یا دو نفر (یک پیشنهاد کننده و یک حمایت کننده) رسیده باشد.

یادآوری میکنم که تصمیم در دستور گذاشتن یا نگذاشتن قطعنامه ها با کنگره است و صرف گذاشتن آن در اسناد کنگره به معنی پرداختن کنگره به آن نیست.

معرفین هر قطعنامه و یا قرار باید از قبل به هیئت رئیسه کنگره معرفی شده باشد.

برای قطعنامه ها: یک ارائه دهنده، دو مخالف و دو موافق صحبت میکنند. بعلاوه ارائه کننده قطعنامه، در انتهای بحث نوبتی برای جمع بندی خواهد داشت.

برای قرارها: یک ارائه دهنده، یک مخالف و یک موافق صحبت میکنند. بعلاوه ارائه کننده قرار، در انتهای بحث نوبتی برای جمع بندی خواهد داشت.

رفقای تشکیلات حزب در داخل کشور، با توجه به محدودیت ارتباطات و مسائل امنیتی از این مقررات مستثنی هستند.

قرار ها و قطعنامه های پیشنهادی آنها میتواند با امضای فردی، به تایید جمع و یا کمیته آنها باشد.

اکیدا از همه این رفقا میخواهیم که از اسامی مستعار تشکیلاتی خود استفاده نکنند، اکیدا از ایمیل های تشکیلاتی و یا آلوده استفاده نکنند و مطلقاً هیچ سرخ مستقیم یا غیر مستقیمی از محل زندگی و کار خود را بدهند.

لطفا دقت کنید که آخرین مهلت جهت ارسال قرار، قطعنامه و اسناد پیشنهادی به کنگره هشتم، ۲۰ فوریه است و هیچ دستور، قرار و قطعنامه ای که بعد از این تاریخ بدست ما برسد در دستور قرار نمیگیرد.

با تشکر
آذر مدرسی
۳ فوریه ۲۰۱۶

سند پیشنهادی کمیته رهبری به کنگره هشتم حزب
فوریه ۲۰۱۶ صفحه ۴

مبانی فعالیت حزبی و سازمانی ما در ایران

در دوسوی تقابلی خونین
بشریت انتخاب دیگری دارد
ثربا شهابی صفحه ۵

پیش نویس آئین نامه کنگره هشتم حزب

پیشنهاد دهنده: کمیته رهبری صفحه ۲

آزادی
برابری
حکومت کارگری

پیش نویس آئین نامه کنگره هشتم حزب

پیشنهاد دهنده: کمیته رهبری

- ۱- هیات رئیسه کنگره از طرف کمیته رهبری به کنگره معرفی خواهند شد. در هر اجلاس یک نفر از هیات رئیسه، ریاست کنگره را برعهده خواهد داشت.
- ۲- تمام تصمیمات با اکثریت نسبی آراء نمایندگان تصویب میشود.
- ۳- رای گیری در کنگره، بجز در انتخابات کمیته مرکزی، علنی است. شمارش دقیق آراء در رای گیری های علنی در مواقعی که تفاوت رای های موافق و مخالف عیان است ضروری نیست. در صورت نزدیک بودن رای های مخالف و موافق، به تصمیم رئیس و یا با پیشنهاد ۲ نفر از نمایندگان آراء شمرده میشود.
- ۴- در طرح هر قطعنامه و قرار و پیشنهاد موافق و مخالف به تعداد مساوی صحبت میکنند. ارائه دهنده هر قطعنامه مرکب (مبحث اصلی) یک نوبت در پایان بحث برای جمع بندی مبحث خواهد داشت. ارائه دهندگان قطعنامه های ساده و قرارها نوبت جمع بندی نخواهند داشت.
- ۵- برای اظهار نظر در کنگره [از میان کسانی که نوبت گرفته اند، در صورتی که به هر کس کمتر از ۵ دقیقه وقت برسد، سخنرانان به تعداد لازم به قید قرعه تعیین میشوند.
- ۶- کفایت مذاکرات به پیشنهاد هیات رئیسه و یا دو نفر از نمایندگان به رای گذاشته میشود.
- ۷- کنگره تنها به مباحث و پیشنهادهای میپردازد که از قبل بطور کتبی در اختیار کنگره قرار داده شده باشند و کنگره ورود آنها را به دستور تصویب کرده باشد. هیچ قرار و طرح قطعنامه جدیدی در کنگره دریافت نمیشود و به رای گذاشته نمیشود. (تصویب استثناء بر این قاعده تنها با رای نصف بعلاوه یک نمایندگان مجاز است)
- ۸- گزارشات به رای گذاشته نمیشود. وقت موجود میان سخنرانان تقسیم میشود. پس از اظهار نظر سخنرانان مختلف، یک نوبت کوتاه نهایی برای توضیح بیشتر در مورد جوانب مورد بحث گزارشات به ارائه کنندگان آنها داده میشود
- ۹- در پایان هر اجلاس (صبح یا عصر) جمعا ۲۰ دقیقه برای اظهار نظر میهمانان و ناظرین وقت داده میشود. (جمعا چهار نوبت)

ترتیب جلسات؛

- مارش انترناسیونال، سکوت به احترام جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم
- گزارش انتخابات و تصویب اعتبارنامه نمایندگان کنگره/ رسمیت یافتن کنگره
- سخنرانی افتتاحیه دبیر کمیته مرکزی
- تصویب آئین نامه و دستور
- انتخابات کمیته مرکزی
- اختتامیه

- ۲- امروز بیش از هر زمانی جدال و مبارزه مستقیم دو طبقه اصلی، طبقه کارگر و جمهوری اسلامی به نمایندگی بورژوازی ایران آینده جامعه را رقم میزند. امروز رسالت هر نوع گشایش
- سیاسی، هر نوع گشایش فرهنگی در جامعه، رسالت شکل دادن به جنبشی سکولاریستی، تضمین کمترین درجه پیشروی جدی در زمینه احقاق حقوق زنان، رسالت هر نوع بهبود ... ←

قطعنامه اوضاع سیاسی...

این واقعیت که نه دولت سازندگی، نه دولت اصلاحات و نه دولت اعتدال، نه نزدیکی با چین و روسیه، و نه حتی "تغییر ریل" و نزدیکی با غرب و رفع تحریمها، نمیتوانند موانع توسعه اقتصادی سرمایه داری در ایران را برطرف کنند، امروز بیش از پیش روشن شده است. جمهوری اسلامی ناتوان از حل معضلات اقتصادی جامعه است و راه برون رفتی از این بن بست اقتصادی ندارد. بدون حل معضلات بورژوازی جهانی و در راس آن بورژوازی غرب و بر این متن حل مسئله فلسطین و پایان بی ثباتی و ناامنی خاورمیانه، چشم اندازی برای خروج از این بن بست وجود ندارد.

ب: پرچم ایدئولوژیک جمهوری اسلامی زیر فشار سکولاریسم عمیقاً ریشه دار در جامعه، و تحت تاثیر نیازهای بورژوازی ایران برای برون رفت از بحران سیاسی - اقتصادی مزمز جمهوری اسلامی ایران، شکست خورد و به بن بست رسید. بر زمین انداختن پرچم "غرب ستیزی" و دشمنی با "شیطان بزرگ"، این اصلی ترین رکن ابزار حفظ سیادت ایدئولوژیک خود بر جامعه، بر زمین گذاشتن اصلی ترین سپر دفاعی در مقابل تعرض از پایین، جمهوری اسلامی ایران را در موقعیتی بشدت ضعیف از نظر سیاسی و ایدئولوژیک در مقابل مردم قرار داده است. پس زدن اتوریته های اسلامی از جانب مردم، عدم تمکین به مقررات و موازین رفتار اسلامی، تحمیل آزادیهای فرهنگی، به سخره گرفتن قوانین اسلامی و ناتوانی جمهوری اسلامی از تحمیل آن، گوشه هایی از موقعیت ضعیف جمهوری اسلامی در جامعه را نشان میدهد.

پ: بیش از یکسال تلاش کل بورژوازی ایران و در راس آن جمهوری اسلامی برای دامن زدن به افق

"گشایش سیاسی اقتصادی" به منظور به تمکین و تسلیم کشاندن مردم برای رضایت به وضع موجود، و همچنین برای "فرست دادن" به جمهوری اسلامی، با هدف حاشیه ای کردن اعتراض و تحرک طبقه کارگر و مردم محروم برای بهبود معیشت، شکست خورد. وعده های موقت و زودگذر رشد اقتصادی نتوانسته است کمترین بارقه ای از امید به جمهوری اسلامی "دوست غرب" را در میان طبقه کارگر و محرومین جامعه دامن بزند. امروز این واقعیت که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی از گشایش سیاسی و اقتصادی خبری نیست به باوری بنیادی در ذهن طبقه کارگر و اکثریت محروم تبدیل شده است. مردمی که یکبار به امید تغییر و بهبود در چارچوب جمهوری اسلامی چشمی به بالا دوخته بودند امروز بیش از پیش از بیش از بالا قطع امید کرده اند. دیوار توهم به بخشهای مختلف بورژوازی و نمایندگان آنها در قدرت و در اپوزیسیون، مدتها است فرو ریخته است.

ث: امروز مانع اصلی به میدان آمدن مردم و طبقه کارگر نه توهم و امید به بخشی از بورژوازی که اولاً ضعف کمونیسم متشکل و متحزب، بعنوان آلترناتیوی قدرتمند و قابل اتکا برای تحقق آینده ای بهتر و دوماً هراس از نا امانی، بی ثباتی، تبدیل ایران به سوریه، عراق و لیبی است. حلقه ای که جمهوری اسلامی با استفاده از خطر داعش، خطر کشمکش با دول ارتجاعی منطقه مانند ترکیه و عربستان روی آن سرمایه گذاری سیاسی میکند. از آن بعنوان ابزاری برای به سکوت کشاندن جامعه و تمکین به استبداد سیاسی و تحمل فشار اقتصادی، استفاده میکند. تمکین به حاکمیت و قبول "امنیت در سایه جمهوری اسلامی"، پرچم این دوره تعرض کل بورژوازی ایران و نماینده در قدرت اش، جمهوری اسلامی، است.

قدرت طبقه کارگر در تخریب و تشکل اوست!

قطعنامه اوضاع سیاسی ...

جدی اقتصادی و معیشتی طبقه کارگر و بخش های محروم جامعه، و بالاخره تامین و تضمین آینده مرفه، امن و سعادت‌مند جامعه ایران بیش از هر زمانی برعهده طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه است.

موقعیت امروز جمهوری اسلامی، "موفقیتها" و "ناکامی‌ها"ی آن رابطه نیروهای سیاسی ایران، درون و بیرون حاکمیت، طبقات اجتماعی و احزاب سیاسی مختلف را یکبار دیگر باز تعریف کرده و در مقابل هم قرار داده است.

الف: بورژوازی ایران و جنبش بورژوا ناسیونالیستی

با بهبود رابطه جمهوری اسلامی و دولت های غربی، بخش اعظم بورژوازی ایران، که برقراری این رابطه آمال و آرمان سیاسی اش را تشکیل میداد، در مقابل جمهوری اسلامی خلع سلاح شد. امروز جمهوری اسلامی، بعنوان یک حکومت بورژوایی، در اذهان طبقه اش نه تنها نماینده افق بهبود و توسعه اقتصادی، نماینده "ایران صنعتی" است بلکه در عرصه سیاست هم نماینده تمام و کمال ناسیونالیسم ایرانی چه در مقابل قدرتهای امپریالیستی و چه بخصوص در مقابل رقبای منطقه ای است. جمهوری اسلامی امروز نماینده بلامنازع بخش اعظم بورژوازی ایران از ملی اسلامی ها تا ناسیونالیستهای پرو غرب است.

جناح راست ناسیونالیسم پرو غرب از سلطنت طلبان و طیف متلون لیبرال و جمهوریخواه و مشروطه خواه تا طیف توده اکثریتی ها، که سنتا بقا رژیم را تنها راه حفظ نفوذ خود در حاکمیت و مقابله با جنبشهای سیاسی بیرون حکومت تلقی کرده اند، همگی در مقابل "قدرت" جمهوری اسلامی در

منطقه سر تعظیم فرود آورده اند. آینده این جریانات در تحولات آتی سیاسی، بیش از هر زمانی به سرنوشت جمهوری اسلامی گره خورده است. جناح چپ این جنبش که اساسا با هویت ضدیت با اسلامیت جمهوری اسلامی و ضدیت با ولایت فقیه افق خود را به شکافها و کشمکشها میان غرب با جمهوری اسلامی گره زده بود، امروز بی افق تر از همیشه پاندول وار در حاشیه جدال نیروهای اصلی راست و چپ جامعه قرار گرفته است. از اینرو اعتراض و شکوه های ناسیونالیستهای پرو غرب، جریانات ملی-اسلامی و جریانات قوم پرست، و چپ ناسیونالیست که تماما به شکاف و کشمکش غرب با جمهوری اسلامی متکی بودند، بیش از پیش حاشیه ای شده است.

ب: طبقه کارگر و جنبش کمونیستی آن

کارکرد و هر نوع "رشد اقتصادی" سرمایه در ایران، چه در دوره دشمنی جمهوری اسلامی با غرب یا دوره آشتی با آن، بدون تحمیل استبداد و خفقان گسترده، بدون تحمیل استثمار شدید به طبقه کارگر و تضمین وجود نیروی کار ارزان و سرکوب شده ممکن نیست. جمهوری اسلامی "دوست غرب" همان اندازه در تقابل آشتی ناپذیر با طبقه کارگر است که جمهوری اسلامی دشمن غرب.

آینده روشن جامعه ایران بی تردید در گرو روشن بینی و قدرت متشکل و متحد و متحزب طبقه کارگر حول سیاست های کمونیستی است. امری که بیش از پیش به پیشروی جنبش کمونیستی این طبقه گره خورده است. کمونیسمی که در برابر کل احزاب و جنبشهای بورژوایی، سوسیالیسم را بعنوان یک آلترناتیو واقعی و قابل تحقق در برابر جامعه قرار میدهد. کمونیسمی که، با اتکا به طبقه کارگر

قدرتمند بعنوان یک نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود، تنها قطب سیاسی مبشر یک جامعه آزاد، برابر و مرفه در ایران است و میتواند و باید مهر خود را بر تحولات آتی سیاسی در ایران بزند.

حزب حکمتیست، هم در تئوری، هم در سیاست و هم در پراتیک نشان داده است که نیروی پیشتاز این جنبش است. حزبی است که در مقابل تمام آلترناتیوها و اقله های بورژوایی بر استقلال طبقاتی طبقه کارگر و متحد و متحزب کردن این طبقه حول سیاستهای کمونیستی خود، تاکید کرده است. حزبی که برای مسلح کردن طبقه کارگر به حزب سیاسی خود برای پیروزی سوسیالیسم، برای تحقق آزادی، برابری، حکومت کارگری مبارزه کرده است و با تمام توان و انرژی خود طبقه کارگر را در همه سطوح برای جدالهای آتی، آماده و متحد میکند. حزبی که با تلاش جریانات درون و بیرون حکومتی برای حفظ ارکان جمهوری اسلامی، برای دامن زدن به توهم به جمهوری اسلامی جرح و تعدیل شده، قاطعانه مقابله کرده است.

۳- حزب حکمتیست و مهمترین وظایف ایندوره

کنگره با درک حساسیت ایندوره و در عین وقوف به دشواریها و موانعی که بر سر راه حزب و جنبش ما قرار دارد، با علم به اینکه حزب حکمتیست امروز در موقعیت مناسبی در شکل دادن به کمونیسمی قوی و اجتماعی در بطن و عمق جامعه و ایفای نقش در جدال با بورژوازی دارد. معتقد است حزب باید گامهای جدی در این راستا بردارد.

• کنگره بار دیگر بر اهمیت تقابل با افق های ارتجاعی و بورژوایی در مقابل طبقه کارگر و مردم محروم و

بطور ویژه بر تقابل جدی حزب با هر نوع تفرقه قومی، ملی، مذهبی در جامعه تاکید میکند.

• کنگره بر تلاش حزب برای ایفای نقش بعنوان حزب کارگران در صحنه سیاست و در جدال قدرت پا به میدان بگذارد، تاکید میکند. تبدیل حزب به ابزار مبارزه طبقه کارگر برای رفاه و امنیت همین امروز و برای کسب قدرت سیاسی، از وظایف مهم، پایه ای و فوری حزب است.

• کنگره بر اهمیت گسترش نفوذ اجتماعی حزب در جامعه تاکید میکند.

• کنگره بر گسترش و تحکیم سازمان حزب در داخل، بویژه در مراکز تولیدی و صنعتی تاکید میکند.

• کنگره بر متحزب کردن کمونیستهای طبقه کارگر، از متحد و متشکل شدن در کمیته های کمونیستی تا حزب حکمتیست تاکید کرده و خواهان وسیعترین و جدی ترین اقدامات حزب در این رابطه است.

• کنگره توجه همه فعالین حزب را به حساسیت ایندوره، به ابعاد عظیم وظایفی که در دوره کنونی بر عهده آنها است و ضرورت یک مبارزه متحدانه، پرشور، گسترده، با بالاترین درجه اتحاد جلب میکند.

حکمتیست را بخوانید، توزیع و پخش کنید!

حکمتیست را

به دست کارگران برسانید!

مرکز بر جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!

مبانی فعالیت حزبی و سازمانی ما در ایران

مقدمه: حزب حکمتیست (خط رسمی) برای سازمان دادن انقلاب کارگری ایجاد شده است. مانع اصلی این انقلاب، عدم آمادگی ذهنی طبقه کارگر است. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی پیش شرط انقلاب کارگری است. حزب حکمتیست تلاش میکند در این پروسه بیشترین آمادگی را در خود و طبقه کارگر فراهم کند و حزب و طبقه کارگر با سرنگونی جمهوری اسلامی در موقعیت بهتری برای انقلاب کارگری قرار بگیرند. شرط اول برای چنین نقشی تبدیل خود حزب حکمتیست به لولای اتحاد رهبران و فعالین کمونیست طبقه کارگر است.

الویت اصلی ما در این دوره تبدیل حزب حکمتیست به یک حزب توده ای و اجتماعی با سازمانی محکم و کمونیستی در جامعه و خصوصا در میان پرولتاریای صنعتی ایران است. ساختن حزب در داخل ایران، در مراکز کارگری و صنعتی و در میان انقلابیون و آزادیخواهان، به عنوان نیروی پیششار و روشن بین و متحد کننده در مبارزات آنها، با افق و سیاست پرولتری، امر جدی حزب حکمتیست است.

فعالیت حزبی و سیاسی ما در ایران باید متکی به اهداف فوق و در خدمت تامین نیازهایی باشد که پیشروی در جهت تحقق آن را تسهیل میکند. بر این اساس در دوره کنونی و در توزان قوای فعلی، مبانی فعالیت حزبی و سازمانی حزب در ایران، متکی بر موازین زیر است:

الف- تقویت شبکه های رهبران عملی و آژیتاتورهای سوسیالیست طبقه کارگر و حاکم کردن یک افق سیاسی کمونیستی و شفاف، و تقویت و ارتقا تحزب کمونیستی آنها، امر جدی حزب حکمتیست است.

در شرایط فعلی جامعه و با توجه به تجارب تاکنونی جنبش کارگری و کمونیستی ایران، در شرایطی که

پولاریزاسیون سیاسی و تجزیه خطی در میان فعالین سوسیالیست طبقه کارگر شکل نگرفته است، ارتقا شبکه های رهبران و آژیتاتورهای سوسیالیست موجود طبقه کارگر و متحزب شدن فعالین کمونیست این طبقه تا سطح "کمیته های کمونیستی جنبشی"، سیاست رسمی ما در میان طبقه کارگر ایران است.

ب- همزمان، حزب حکمتیست سازمان دادن کمونیستها در حزب و در شکل سازمانی "کمیته های کمونیستی حزبی" را در دستور خود دارد. تشکیل کمیته های کمونیستی در محیط کار و زندگی، در میان کارگران، جوانان و زنان و اقشار محروم جامعه اولویت جدی رهبری تشکیلات داخل حزب است.

پ- سازمان حزب در ایران متکی به کمیته های حزبی است. چهار چوب کار و موازین این کمیته ها مطابق طرح های مصوب رهبری و اساسنامه حزب میباشند.

ت- کمیته های حزبی یک فونکسیون کمونیستی و اجتماعی با نفوذ اند. این کمیته ها وظیفه متحد کردن کارگران، زحمتکشان و اقشار محروم جامعه در محل کار، محل زندگی، شهر، محله، دانشگاه و ... را حول سیاستهای حزب به عهده دارند. این کمیته ها سازمان دادن و رهبری کردن مبارزات اجتماعی، در همه سطوح رفاهی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... را حول سیاستها، شعارها، اهداف و تاکتیکهای حزب دنبال میکنند.

موفقیت این کمیته ها، بیش از هر چیز با میزان توان آنها در ایفای نقش رهبری متحد کننده حزبی و اجتماعی، اندازه گیری میشود. توان متشکل کردن مبارزات، توان رهبری اعتراضات و مبارزات حول سیاست های حزب، و توان مقابله با آرا و افکار بازدارنده و مخرب در محیط فعالیت خود، مهمترین

شاخص اندازه گیری موفقیت این کمیته ها است. شاخص موفقیت در این عرصه واقعیت زمینی و مادی خود مبارزه و نقش کمیته در آن است.

ج- حفظ امنیت و تضمین ادامه کاری سیاسی و سازمانی کمونیستها و فعالین حزبی یک رکن جدی و حیاتی در فعالیت حزب است. دفاع از و حفظ امنیت رهبران کمونیست و فعالین و رهبران کارگری، رهبران و سازمان دهندگان مبارزات توده ای، از ارکان تضمین ادامه کاری سازمانی و جنبشی حزب است.

دخالت موثر فعالین حزبی در مبارزات علنی اجتماعی بدون سازمانی محکم، منضبط و کاملا مخفی ضربه پذیر و غیر قابل ادامه کاری است. از

اینرو تلفیق کار علنی و مخفی، تامین حضور سیاسی اجتماعی وسیع فعالین حزبی و کمیته های حزب در مبارزه و همزمان حفظ امنیت و سازمان حزب در داخل یکی از مهمترین اولویتهای حزب و تشکیلات داخل آن است.

"شوررفاه، آزادی و امنیت"

مردم ایران
را بدست گیرید!

آزادی؛

(بخشی از "مشوررفاه، آزادی و امنیت مردم ایران")

- آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه.

- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل.

- آزادی مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش. هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باید باشند.

- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده.

- تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات اجتماعی- سیاسی و اقتصادی جامعه در سطوح مختلف.

- برابری کامل و بی قید و شرط کلیه شهروندان ایران، مستقل از تابعیت، در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی. کلیه ساکنین کشور، مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، یا اعتقادات مذهبی، اعضای متساوی الحقوق جامعه اند و در دسترسی به همه امکانات جامعه، برابرند.

- ممنوعیت تفتیش عقاید. حق استتکاف شخص از ادای شهادت علیه خود که بتواند به اعلام جرم علیه وی منجر گردد. آزادی سکوت درباره نظرات و اعتقادات شخصی.

- مصونیت زندگی خصوصی افراد- مصونیت محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی. ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت.

- مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.

در دوسوی تقابلی خونین بشریت انتخاب دیگری دارد

ثریا شهبابی



در حالیکه جهانیان تعداد جنازه های رو به افزایش هزاران هزار نفر از فراریان از سوریه، که در مرزها و دریاها، کودک و بزرگ به کام مرگ میروند، را می شمارد؛ در حالیکه جهان نظاره گر جمع آوری جنازه های روی دست مانده کودکان فراری از شمال آفریقا و خاورمیانه است، کودکانی که بر اثر گرسنگی و سرما و تحت فشار فقدان ابتدایی ترین امکانات زیستی در مسیرهای فرار، در کمپ های پناهندگی و در مرزها تلف میشوند؛ در حالیکه با بهت و حیرت شاهد تکه پاره شدن مردم سوریه، این بار زیر بمب های "بشردوستانه" روسیه است، و در همان حال از نورافکن اقتادن بر "هویت خارجی"، "ملی" و "اسلامی"، برچسب خوردن "هویت قومی" و "اسلامی" بر پیشانی هر تک جانور جانی، قاتل و تجاوزگری به زنان و کودکان در این و آن گوشه جوامع غربی، به هراس می افتد؛ در این تنگنا که بشریت بغض و خشم خود از جهان سراسر به لجن و تباهی کشیده شده موجود را فرومیخورد، در همان حال پرواز شیخ دورنمای آینده ای سیاه تر و خونین تر از گذشته بر فراز سرش، او را به تسلیم و رضایت به سیاهی موجود دعوت میکند. دورنمای آینده ای مخوف تر، بعض و خشم را به حاشیه و التهاب و ترس را حاکم میکند!

دورنمای آینده ای که در آن دو صف ضدبشری و سناریو سیاهی، دستجات اسلامی از یک طرف و گروه های فاشیست غربی از طرف دیگر، میدان داری میکنند و ظاهرا قرار است آینده تصویر برآیند قدرت نمایی و سرانجام جدال آنها باشد!

دورنمایی که اکثریت محروم جوامع بشری را ظاهرا در مقابل یک دوراهی سراسرست قرار میدهد. یکی: انزوا، سکوت، تسلیم، و سربرگرداندن از دیدن تصاویر و لمس دنیایی هولناک حقیقی امروز، فاصله گرفتن از رویدادها، و

خاموش کردن صدا و تصویر همه رسانه هایی که آن را منعکس میکند. دیگری: رفتن در صف فعال مقاومتی منفی، "آشتی جویانه" و "صلح طلبانه"، که در عمل تفاوت چندانی با سکوت و خاموشی ندارد!

بشرکره خاکی کمتر تا این اندازه احساس بی قدرتی کرده است. کمتر تا این اندازه ناتوان از دیدن امکان شکل دادن و شکل گیری آینده ای روشن، بوده است. و بالاخره کمتر تا این اندازه از آینده ای به مراتب هولناک تر و سیاه تر، احساس ترس کرده است! آینده ای که ظاهرا قرار است محصول سرانجام جدال در دو صف سناریو سیاهی باشد که پیشروی هر یک تباهی و خون پاشی بیشتری به ارمغان خواهد آورد.

دو دسته جانی که امروز در جوامع غربی، عروج کرده و میدان داری میکنند، هیچکدام نه ربطی به حق طلبی میلیونی مردم خاورمیانه علیه میلیتاریسم غربی و تروریسم دولتی غرب دارد، و نه انعکاس مقاومت برحق و آزادیخواهانه جوامع غربی در مقابل تعرض به دستاوردهای ترقیخواهانه خود است. این تحرکات اسلامی و ضداسلامی، فعالیت های این دو دسته جانی، از هر دو سو، مستقیما علیه آن حق طلبی و علیه این مقاومت است.

شکاف کاذب، دست ساز و مخرب بین "تمدن غرب" و "توحش شرق" همانقدر پوچ است و ناتوان از توضیح واقعیات، که شکاف دوره مخرب قبلی در خاورمیانه، تحت عنوان "صدور دموکراسی" و "سقوط دیکتاتورها!" شکافی که نه محصول تمدن "غرب" است، نه ریشه در توحش قرون وسطایی "شرق" دارند، و نه اساسا بازگو کننده کمترین حق و حقوق انسان قرن بیست و دو است!

جنبش ضداسلامی و ضدپناهندگی راست آمریکا که در حزب جمهوریخواه عروج کرده است و راست فاشیست

"پگیدا" که از اروپا سردرآورده است از یک طرف، و جنبش اسلامی و ضدانسانی شریعه و داعش و شاخه های متنوع آن همه و همه، دو سوی یک جدال در صف نیروهای مخرب و ضدبشری قرن است که ریشه در معضلات بورژوازی غرب دارد! پشت ریشه این ترس و تقابل، ریشه این جدال، نه در تحرکات سیاه در خاورمیانه، که در رقابت ها و معضلات در قلب خود جوامع صنعتی و مدرن اروپا و آمریکا نهفته است.

این جدال نه برای به قدرت رساندن اسلام در دانمارک و آلمان و فرانسه است و نه برای خارج کردن اسلام از میدان با اهرم فشار فاشیسم در اروپا و نه برای به قدرت رساندن فاشیسم! این جدال، مستقل از آنچه که رهبران و فعالین آن ادعا میکنند، بیش از هرچیز برای بی قدرت کردن از صحنه خارج کردن، و به تسلیم کشاندن اکثریت محرومی است که در سراسر جهان از ابعاد تباهی که قدرت های بزرگ و متحدین منطقه ای آنها آفریده اند، به تنگ آمده است! این جدالی برای حفظ نظام از خطر انفجار تهدید آمیز اعتراضاتی است، که از پایین در همه جوامع، از خاورمیانه تا آفریقا و آسیا و اروپا، بالایی ها را تهدید میکند.

به میان کشیدن هویت های کاذب ملی، قومی و مذهبی، عراقی، سوری، خاورمیانه ای بودن و شرقی و خارجی بودن این و آن جانی و قاتل و پدوفیل و عنصر ضدزن، نه میدانی برای مقابله و کاهش ابعاد زن ستیزی و مقابله با خشونت علیه زنان و کودکان است و نه میدانی علیه تفکرات ارتجاعی قرون وسطایی اسلامی و مذاهب! کاملا برعکس، امروز پرچم فاشیسم و خارجی ستیزی است که رشد و گسترش ضدبشری ترین عقاید قرون وسطایی، کمترین خسارت پیشروی آن است.

جدال امروز بین دستجات جنایی اسلامی و فاشیستی، ادامه صف بندی های ارتجاعی در خاورمیانه است. برای حل همان معضلات، به همان شیوه ها، است که ترکش آن از خاورمیانه امروز به غرب رسیده است. تخریب کامل

چند کشور و مرگ و آواره کردن میلیونها نفر در خاورمیانه، سیاست هایی که به بهانه های مضحک و مسخره متنوعی چون وجود سلاح کشتار جمعی صدام و بهانه قزاقی و اسد و "رژیم چینج" های میلیتاریستی و "صدور دموکراسی"، قرار بود تناقضات بنیادینی که بورژوازی غرب بعد از جنگ سرد با آن دست بگریبان بود را حل یا حداقل تخفیف دهد، ناکام ماند و امروز به غرب رسیده است.

بن بست اقتصادی، سیاسی، ایدیولوژیکی بورژوازی غرب، خلا رهبری در صفوف آن، بخصوص پس از شکست های پی در پی رهبری آن، دولت آمریکا، در اجرای سیاست های میلیتاریستی در خاورمیانه، همه و همه سوت خطر عقب گردی عظیم را بر سر جوامع غربی، آمریکا و اروپا، به صدا درآورده است. دستجات فاشیست ضداسلامی به بهانه جنایات و ابراز وجود ارتجاع اسلامی، وظیفه مهیا کردن شرایط این عقب گرد را بعهده دارند.

تناقضاتی چون بن بست چگونگی حفظ سیادت سیاسی بر جهان چند قطبی، پرکردن خلا رهبری سیاسی و ایدیولوژیک در صفوف خود بورژوازی جهانی، معضل اجرای مدلی برای رشد اقتصادی در غرب که بتواند با اقتصادهای جدید "توسعه به مدل چینی"، که تماما متکی به کار ارزان و بی حقوقی مطلق طبقه کارگر است، رقابت کند، محتوای واقعی جدالی است که پشت تقابل امروز دستجات اسلامی و دستجات فاشیستی در غرب، قرار دارد. راست فاشیست اروپایی "پگیدا"، ورسیون اروپایی داعش خاورمیانه است، با همان ظرفیت ها و امکانات و به همان دلایل!

بورژوازی غرب برای حل بن بست ها و تناقضات خود، افسار هارترین و دست راستی ترین باندهای فاشیست خود را رها میکند، تا به بهانه امن نگاه داشتن جوامع از "خطر خارجی"، "خطر اسلامیزه شدن غرب"، بخوان "سلاح کشتار جمعی صدام" و به بهانه جلوگیری از ورود همه کسانی که بر پیشانی همگی توسط دستگاه مغزشویی میدیای نوکر، ...

کارگران جهان متحد شوید!

Workers of The World Unite!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

دردسوی تقابلی خونین...

مهر اسلامی، شرقی، خارجی و خاورمیانه ای خورد است، دستاوردهای طبقه کارگر و جنبش های سوسیالیستی و ترقیخواهانه در خود جوامع غربی را بازپس بگیرد. در این راستا، قربانی شدن میلیونی فراریان از سوریه و شهروندان با پیشینه خارجی و رنگین پوستان و ... اولین هزینه آن است.

به این امید که با حل "معضلات" و "مواعی" چون، طبقه کارگر متوقع و قانونا دارای حق تشکل و اعتصاب در جوامع اروپایی، شهروند قانونا دارای حق آزادی عقیده و بیان و تشکل و اجتماع، برابری حقوقی و قانونی زن و مرد، برابری حقوقی و قانونی همه شهروندان در مقابل قانونی یکسان، و سطح معیشت و استاندارد رفاهی نسبتا بالا تر در جوامع غربی، معضلاتی که "مانع رشد سرمایه غربی" است، را حل کند! آنها را باز پس بگیرد! آپارتاید قومی و ملی و مذهبی را جایگزین دستاوردهای انقلاب کبیر فرانسه و کمون و انقلاب اکتبر و جنبش های سوسیالیستی و ترقیخواهانه جوامع

غربی کند. همه دستاوردهای دو قرن گذشته طبقه کارگر اروپا و آمریکا را مورد تعرض قرار دهد تا بتواند شرایط مقابله با رابطه کار و سرمایه در چین را به اروپا تحمیل کند. در عین حال، معضل خلا رهبری در صفوف خود بورژوازی جهانی را پس از شکست آمریکا، را حل کند.

پوشاندن حجاب اسلامی بر تن مجسمه های تاریخی برهنه در ایتالیا، برای تامین شرایط معاشرت سیاسی دولتمردان ایتالیا با سران حکومت ایران، و افسار گسیختگی راست آمریکا، امثال "ترامپ" و اظهارات قیحانه کشیدن دیوار آپارتاید در آن کشور، تنها گوشه های کوچکی از عفونت و گندیدگی بورژوازی غرب، اشتها و آمادگی آن برای تعرض به تمام حقوق کسب شده شهروندان در خود جوامع آمریکا و اروپا، را نشان میدهد.

جدال امروز بین "اسلامیست ها و فاشیست ها"، برای حل این معضلات است و دستجات اسلامی و فاشیستی ابزار به سرانجام رساندن آن! تا "خاورمیانه قومی و مذهبی" با "آمریکا و اروپای مرتجع، اشرافی و آپارتایدی"،

تکمیل شود! این نهایت محصولی است که، در جهان بدون وجود خطر سوسیالیسم و بدون خطر جنبش های سوسیالیستی، کمپ پیروز جنگ سرد با اقتصاد بازار آزاد و دمکراسی و "حقوق بشر" آن میتواند برای بشریت به ارمغان آورد. این منجلات اما، تازه میتواند آغاز کار باشد!

راه مقابله، همان راه سنتی است! مبارزه با بورژوازی و دولت نماینده اش، در همه سطوح و همه عرصه ها، از جغرافیای خود. طبقه کارگر ناچار است در این میدان دست به کمونیسم اش ببرد! کمونیسمی که نه در پارلمان، که در کارخانه و محیط کار و زندگی، با متشکل کردن و متحد کردن طبقه کارگر، با به میدان آوردن همه محرومین، دست به قدرت متشکل خود و سلاح اعتصاب خود، برای مقابله می برد. پارلمان برای طبقه کارگر در غرب، تنها تسهیل کننده امر تعرض او است، نه نقطه سازش این طبقه!

انتخاب بین یکی از این طرفین، فاشیست ها یا اسلامیست ها، هرگز انتخابی در مقابل اکثریت بشریت متدین نه در خاورمیانه و نه در غرب، نبوده است. جمعیت کوچکی از دست راستی های هار و کف بردهان، فرقه ها و سکت های مذهبی و قومی، خصلت نمای میلیاردها نفری که این وضعیت را نمی خواهند نیست. چیزی که میدیای نوکر، خلاف آن را به افکار عمومی تزریق میکند.

این دو راهی در مقابل اکثریت شهروندان جهان نیست. این اقلیت های افسار گسیخته را با "مهر و عطفوت" نمی توان از میدان بیرون کرد. اقلیت هایی که پشت شان به هارترین و دست راستی ترین بخش های بورژوازی جهانی، هم در شرق و هم در غرب است، را فقط با قدرت

اتحاد و تشکل و همبستگی کارکنان، محرومین و در راس همه آنها طبقه کارگر میتوان از میدان بدر کرد.

این سیر و این آینده سیاه، سرنوشت محتوم و از پیش نوشته شده بشر نیست. بشر اگر در چنگال خدای "عهد جاهلیت" ناتوان بود! در چنگال خدای "عهد عاقلیت"، این قدرت مطلق سرمایه که خود مخلوق بشر کار کن است، موجودی ناتوان و بی ابزار و بی سلاحی نیست. اگر به قدرت خود پی ببرد و به سلاح خود دست ببرد.

در مقابل روندی چنین مخرب، با شعار "مهر و عطفوت" و با پرچم "صلح طلبی" نمی توان به جنگ رفت! در میدان جنگی به این وسعت، باید رخت جنگی عظیم پوشید. افشا ریاکاری ها و فریب کاری های دولت های حاکم در مورد "خطر خارجی" ها! مقابله با تعرض به هر تک دستاورد کسب شده، رفاه، آزادی، امنیت، دفاع از جهانشمولی حقوق انسان، زن و مرد و کودک و بزرگسال، مستقل از هر تفاوت نژادی، ملی و مذهبی و جنسی و ... مقابله با تعرض به حق فرار، حق پناهندگی، حق رفاه، حق مسکن، حق سفر و تغییر جغرافیای محل کار و زیست، بیمه بیکاری، حق فراغت از کار، حقوق مجرمین، حق بهداشت و تحصیل، حق آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، ممنوعیت هر نوع تبعیض به هر بهانه و با هر توجیهی، دفاع از بی مذهبی و مقابله با دامن زن به هویت های ملی و مذهبی، دفاع از حق تشکل و اعتصاب و اجتماع، همه و همه میدان جنگ ما، شهروندان جهان، کارکنان جهان، کارگران و سازندگان جهان امروز است.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برچیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

"شور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران"

رابطه بگیرید!

http://hekmatist.com/2015/Hekmatist_Manshour.html

زنده باد انقلاب کارگری!

سازمان مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبدالمهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com